

# دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان‌شناسی همگانی

## موضوع:

بررسی رابطه سن و جنس با گونه‌های مختلف زبانی در گویشوران تهرانی

## استاد راهنما:

آقای دکتر امید طبیب‌زاده

## استاد مشاور:

آقای دکتر مهرداد نغزگوی کهن

## دانشجو:

سلیمه قدرتی

پاییز ۱۳۸۷

تقدیم به:

دکتر محسن ارجمند؛

که در نهایت تاریکی،

و در نهایت شب،

به آفتاب و شیرینی مهمانم کرد ...

با سپاس و تشکر فراوان از:

استاد گرامی جناب آقای دکتر امید طبیب‌زاده

استاد گرامی جناب آقای دکتر مهرداد نغزگوی کهن

بر خود لازم می‌دانم که از خانواده عزیزم، مادر گرامیم و برادر مهربانم، که غیبت‌های مکرر مرا تاب آوردند، صمیمانه سپاسگزاری کنم. همچنین از استادان دوره کارشناسی آقای دکتر علی میرعمادی، خانم دکتر ارشیا کیوانفر، آقای حامد عبدی که علاقه مرا به این رشته برانگیختند، تشکر می‌کنم. از دوستان و همکاران عزیزم آقای دکتر مهرداد مظفر، آقای مهندس سیامک رضایی نراقی، آقای حمیدرضا پاک‌طینت، خانم فاطمه نویدی، آقای مهدی مرتضوی، و خانم مرضیه ابراهیمی که هر یک به سهم خود، پیمودن این راه را برایم تسهیل کردند، بسیار سپاسگزارم.

## چکیده

تفاوت جنسیتی در کاربرد زبان، بارها مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و مشخص شده است که جنسیت، باعث به کارگیری گونه‌های زبانی متفاوت می‌شود. به نظر می‌رسد که در کشور ما با بالا رفتن سن گویشوران تهرانی، تفاوت‌های زبانی مردان و زنان این شهر، افزایش می‌یابد. یعنی هرچه سن گویشوران بیشتر باشد، تفاوت‌های زبانی آنها بیشتر، و هرچه سن آنها کمتر باشد، تفاوت‌های زبانی آنها کمتر می‌شود. در این تحقیق، کوشیدیم صحت و سقم این فرضیه را در سه گروه سنی (۲۵-۲۰، ۴۵-۴۰، ۶۵-۶۰) با در نظر گرفتن سه حوزه زبانی شامل تفاوت‌های واجی (تغییرات واکه‌ای، قلب، همگون‌سازی واکه‌ای، و حذف)، تفاوت‌های کلام (پرسش تأییدی، عبارت احتیاط‌آمیز، و پس‌خوراند کلامی)، و تفاوت‌های صرفی (اتباع) مورد بررسی قرار دهیم. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که کمترین میزان تفاوت در گروه‌های سنی ۶۵-۶۰ و ۲۵-۲۰ سال و بیشترین تفاوت در گروه سنی ۴۵-۴۰ سال دیده می‌شود.

## فهرست مطالب

۱	فصل یکم: مقدمه	۱
۲	۱-۱ بیان مسأله	۲
۳	۱-۲ اهداف و فرضیات	۳
۳	۱-۲-۱ اهداف	۳
۳	۱-۲-۲ فرضیات	۳
۳	۱-۳ شیوه تحقیق	۳
۴	۱-۴ اقلام مورد بررسی	۴
۵	۱-۴-۱ توصیف اقلام مورد بررسی	۵
۹	فصل دوم: پیشینه مطالعات	۹
۱۷	فصل سوم: روش تحقیق	۱۷
۱۸	۳-۱ جمعیت مورد مطالعه و روش اجرای تحقیق	۱۸
۱۹	۳-۲ متغیرها	۱۹
۲۰	۳-۳ معرفی افراد مورد تحقیق	۲۰
۲۰	۳-۳-۱ گروه سنی ۶۰-۶۵ سال	۲۰
۲۱	۳-۳-۲ گروه سنی ۴۰-۴۵ سال	۲۱
۲۱	۳-۳-۳ گروه سنی ۲۰-۲۵ سال	۲۱
۲۲	۳-۳-۴ گروه ثانویه (۲۰-۲۵ سال)	۲۲

۲۳	تجزیه و تحلیل داده‌ها	۳-۴
۲۳	مشکلات و محدودیتها	۳-۵
۲۵	فصل چهارم: داده‌های تحقیق	
۲۶	تشریح یافته‌های به دست آمده	۴-۱
۲۶	آمار به دست آمده در حوزه واجی	۴-۱-۱
۲۶	فرایند تغییر در گونه‌های تهران و ایران	۴-۱-۱-۱
۲۶	گروه سنی ۶۰-۶۵ سال	۴-۱-۱-۱-۱
۲۶	گروه سنی ۴۰-۴۵ سال	۴-۱-۱-۱-۲
۲۶	گروه سنی ۲۰-۲۵ سال	۴-۱-۱-۱-۳
۲۶	گروه ثانویه	۴-۱-۱-۱-۴
۲۷	فرایند تغییر در کاربرد گونه زمین به صورت زمین	۴-۱-۱-۲
۲۷	گروه سنی ۶۰-۶۵ سال	۴-۱-۱-۲-۱
۲۷	گروه سنی ۴۰-۴۵ سال	۴-۱-۱-۲-۲
۲۷	گروه سنی ۲۰-۲۵ سال	۴-۱-۱-۲-۳
۲۷	گروه ثانویه	۴-۱-۱-۲-۴
۲۷	فرایند قلب	۴-۱-۱-۳
۲۷	گروه سنی ۶۰-۶۵ سال	۴-۱-۱-۳-۱
۲۸	گروه سنی ۴۰-۴۵ سال	۴-۱-۱-۳-۲
۲۸	گروه سنی ۲۰-۲۵ سال	۴-۱-۱-۳-۳
۲۸	گروه ثانویه	۴-۱-۱-۳-۴

- ۲۸ ..... همگون‌سازی واکه‌ای در لغت بهار/بهار ..... ۴-۱-۴-۲
- ۲۸ ..... گروه سنی ۶۰-۶۵ سال ..... ۴-۱-۱-۴-۱
- ۲۸ ..... گروه سنی ۴۰-۴۵ سال ..... ۴-۱-۱-۴-۲
- ۲۸ ..... گروه سنی ۲۰-۲۵ سال ..... ۴-۱-۱-۴-۳
- ۲۹ ..... گروه ثانویه ..... ۴-۱-۱-۴-۴
- ۲۹ ..... کاربرد گونه‌های کاهش یافته ..... ۴-۱-۱-۵
- ۲۹ ..... گروه سنی ۶۰-۶۵ سال ..... ۴-۱-۱-۵-۱
- ۲۹ ..... گروه سنی ۴۰-۴۵ سال ..... ۴-۱-۱-۵-۲
- ۲۹ ..... گروه سنی ۲۰-۲۵ سال ..... ۴-۱-۱-۵-۳
- ۲۹ ..... گروه ثانویه ..... ۴-۱-۱-۵-۴
- ۳۰ ..... یافته‌های به دست آمده در حوزه کلام ..... ۴-۱-۲
- ۳۰ ..... استفاده از پرسش تأییدی ..... ۴-۱-۲-۱
- ۳۰ ..... گروه سنی ۶۰-۶۵ سال ..... ۴-۱-۲-۱-۱
- ۳۰ ..... گروه سنی ۴۰-۴۵ سال ..... ۴-۱-۲-۱-۲
- ۳۰ ..... گروه سنی ۲۰-۲۵ سال ..... ۴-۱-۲-۱-۳
- ۳۰ ..... گروه ثانویه ..... ۴-۱-۲-۱-۴
- ۳۰ ..... کاربرد عبارت احتیاط‌آمیز ..... ۴-۱-۲-۲
- ۳۰ ..... گروه سنی ۶۰-۶۵ سال ..... ۴-۱-۲-۲-۱
- ۳۱ ..... گروه سنی ۴۰-۴۵ سال ..... ۴-۱-۲-۲-۲
- ۳۱ ..... گروه سنی ۲۰-۲۵ سال ..... ۴-۱-۲-۲-۳
- ۳۱ ..... گروه ثانویه ..... ۴-۱-۲-۲-۴



- ۳۱ ..... کاربرد پس خورندهای کلامی ۴-۱-۲-۳
- ۳۱ ..... گروه سنی ۶۰-۶۵ سال ۴-۱-۲-۳-۱
- ۳۲ ..... گروه سنی ۴۰-۴۵ سال ۴-۱-۲-۳-۲
- ۳۲ ..... گروه سنی ۲۰-۲۵ سال ۴-۱-۲-۳-۳
- ۳۲ ..... گروه ثانویه ۴-۱-۲-۳-۴
- ۳۲ ..... آمار به دست آمده در حوزه صرفی ۴-۱-۳
- ۳۲ ..... کاربرد اتباع ۴-۱-۳-۱
- ۳۲ ..... گروه سنی ۶۰-۶۵ سال ۴-۱-۳-۱-۱
- ۳۲ ..... گروه سنی ۴۰-۴۵ سال ۴-۱-۳-۱-۲
- ۳۳ ..... گروه سنی ۲۰-۲۵ سال ۴-۱-۳-۱-۳
- ۳۳ ..... گروه ثانویه ۴-۱-۳-۱-۴
- ۳۴ ..... جداول مربوط به تفاوت‌های واجی ۴-۲
- ۳۴ ..... تغییر واجی در کاربرد گونه‌های تهران/تهرون و ایران/ایرون ۴-۲-۱
- ۳۸ ..... تغییر واجی در کاربرد زمین/زمین ۴-۲-۲
- ۴۲ ..... لغزش زبانی قلب ۴-۲-۳
- ۴۶ ..... همگون‌سازی واکه‌ای در لغت بهار/بهار ۴-۲-۴
- ۵۰ ..... کاربرد گونه‌های کاهش یافته ۴-۲-۵
- ۵۴ ..... جداول مربوط به تفاوت‌های کلامی ۴-۳
- ۵۴ ..... کاربرد پرسش تأییدی ۴-۳-۱
- ۵۸ ..... کاربرد عبارت احتیاط‌آمیز ۴-۳-۲
- ۶۲ ..... کاربرد پس خوراند ۴-۳-۳

۶۶	یافته‌های صرفی	۴-۴
۶۶	کاربرد اتباع	۴-۴-۱
۷۰	فصل پنجم: نتایج	
۷۲	نتایج به دست آمده در حوزه واجی	۵-۱
۷۲	فرایند تغییر در گونه‌های تهران و ایران	۵-۱-۱
۷۲	تغییر واجی در کاربرد زمین/زمین	۵-۱-۲
۷۳	لغزش زبانی قلب	۵-۱-۳
۷۴	همگون‌سازی واکه‌ای در لغت بهار/بهار	۵-۱-۴
۷۵	کاربرد گونه‌های کاهش یافته	۵-۱-۵
۷۶	جداول مربوط به تفاوت‌های کلامی	۵-۲
۷۶	کاربرد پرسش تأییدی	۵-۲-۱
۷۷	کاربرد عبارت احتیاط‌آمیز	۵-۲-۲
۷۸	کاربرد پس‌خوراند	۵-۲-۳
۷۹	یافته‌های صرفی	۵-۳
۷۹	کاربرد اتباع	۵-۳-۱
۸۷	فصل ششم: تحلیل و نتیجه‌گیری	
۹۲	کتابنامه	
۹۵	واژه‌نامه	
۹۹	چکیده انگلیسی	

فصل يكم

مقدمه

## آیا با بالا رفتن سن، تفاوتی در به کارگیری گونه‌های زبانی بین گوشوران تحصیل کردهٔ مرد و زن تهرانی دیده می‌شود؟

### ۱-۱ بیان مسأله

رابطه‌ی جنسیت و زبان، از عمده مسایل مطرح در زبان‌شناسی اجتماعی است. از دهه‌ی ۱۹۷۰، تحقیقات در این خصوص بر نقشی که زبان ایفا می‌کند تا زنان در مکان و موقعیت اجتماعی پایین‌تر از مردان قرار گیرند، متمرکز بوده است. تا پیش از این، زبان‌شناسان از این جهت به رابطه‌ی جنسیت و زبان علاقه‌مند بوده‌اند که صورتهای واژگانی، آوایی، و ساخت‌واژی در زبان یافتند که به طور خاص توسط یکی از دو جنس به کار برده می‌شد و امروزه جنسیت یک متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود که با دیگر متغیرهای زبانی مانند موقعیت اجتماعی، سبک، سن، و قومیت همراستا است (فسلد، ۱۹۹۰). مطالعات بسیاری در مورد تفاوت جنسیتی در به کارگیری زبان انگلیسی صورت گرفته است. در بسیاری از مواقع، گفتاری کاملاً زنانه یا کاملاً مردانه تلقی می‌شود و همهٔ گوشوران به این تفاوت اِشراف دارند. مثلاً در بسیاری از لهجه‌های انگلیسی آمریکایی، واکه‌هایی که زنان به کار می‌برند، حاشیه‌ای‌تر<sup>۱</sup> (یعنی پیشین‌تر<sup>۲</sup>، پسین‌تر<sup>۳</sup>، بسته‌تر<sup>۴</sup>، یا بازتر<sup>۵</sup>) از واکه‌هایی که مردان به کار می‌برند (ترادگیل، ۱۹۸۳، ص ۱۰۴).

در این تحقیق، کوشیده‌ایم که دریابیم اگر تفاوت‌هایی در به کارگیری گونه‌های زبانی میان زنان و مردان جامعهٔ تهران دیده می‌شود، آیا این تفاوت‌ها با افزایش سن بیشتر می‌شود؟ در واقع سؤال اصلی ما این است که آیا این تفاوت‌ها فقط در افراد مسن‌تر جامعه دیده می‌شود، یا این که این

---

1- more peripheral

2- more front

3- more back

4- higher

5- lower

تفاوت‌ها محدود به سن نبوده در هر سه گروه سنی مورد نظر این پژوهش، قابل مشاهده و اندازه‌گیری است.

## ۱-۲ اهداف و فرضیات

### ۱-۲-۱ اهداف

هدف اصلی ما در این تحقیق پاسخ به این سؤالات است که:

(۱) آیا با افزایش سن، تفاوت در به‌کارگیری گونه‌های زبانی در گویشوران تحصیل‌کردهٔ مرد و زن

تهرانی نیز افزایش می‌یابد یا خیر؟

(۲) در صورت بروز کمترین تفاوت در گروه سنی ۲۵-۲۰ سال، چه عواملی در کم شدن این فاصلهٔ

جنسیتی، نقش داشته‌اند؟

### ۱-۲-۲ فرضیات

فرضیهٔ ما این است که با افزایش سن در میان گویشوران زن و مرد تهرانی و تحصیل‌کرده، تفاوت‌های

چشمگیری در به‌کارگیری گونه‌های زبانی به وجود می‌آید.

## ۱-۳ شیوهٔ تحقیق

این تحقیق در سه گروه سنی ۶۵-۶۰، ۴۵-۴۰، و ۲۵-۲۰ انجام شد. هر گروه شامل ۱۰ گویشور

است که ۵ نفر از آنها زن و ۵ نفر دیگر، مرد می‌باشند. گویشوران همه تهرانی و تحصیل‌کرده انتخاب

شدند. با انجام گفتگو و پرسیدن سؤال‌های هدف‌مند در جریان گفتگو، چگونگی بیان چندین گونهٔ

زبانی را بررسی کردیم. اختلاف بیش از ۲۰٪ در کاربرد یا عدم کاربرد گونه‌های زبانی مورد تحقیق را

به عنوان تفاوت در نظر گرفتیم. به منظور اعتبار بخشیدن به نتایج تحقیق، گروه ۱۰ نفرهٔ دیگری از

افراد ۲۵-۲۰ ساله را به عنوان گروه شاهد مورد بررسی قرار دادیم که این گروه نیز همچون سه گروه قبلی شامل ۵ نفر زن و ۵ نفر مرد بود. اعضای این گروه نیز همگی تهرانی بودند اما سطح تحصیلات آنها حداکثر دیپلم بود. در نهایت نتایج به دست آمده از سه گروه قبلی و گروه شاهد را بررسی، مقایسه و تحلیل کردیم.

#### ۴-۱ اقلام مورد بررسی

در این تحقیق تفاوت‌های واجی را در تلفظ لغاتی مانند تهران/تهرون، ایران/ایرون، زمین/زمین، چشم/چشم و... بررسی کردیم. همچنین تفاوت‌های زبانی مردان و زنان را از حیث لغزش زبانی قلب (برای نمونه، نسخه/نخسه)، و به کارگیری گونه‌های بهار/بهار که در گونه دوم آن، باهار، همگون‌سازی واکه‌ای صورت گرفته است و همچنین کاربرد گونه‌هایی که در آنها همخوان پایانی یا خوشه همخوان پایان واژه حذف شده است مثلاً در افعال هست/هس یا هه نیست/نیس یا نی و یک/ی) را بررسی کردیم. کاربرد یا عدم کاربرد پرسش تأییدی (استفاده از عباراتی همچون "اینطور نیست؟" و "مگه نه؟" که برای جلب موافقت و تشویق مخاطب به ادامه گفتگو به کار می‌روند)، عبارات احتیاط‌آمیز<sup>۱</sup> (استفاده از عباراتی همچون "تا جایی که می‌دونم"، "اگه اشتباه نکنم"، "مطمئن نیستم اما" که نشان می‌دهند گوینده، محتاطانه صحبت می‌کند) و پس‌خوراند<sup>۲</sup> کلامی (عباراتی همچون "اوهوم"، "آره"، "جدی"، "خوب"، "بله"، "عجب"، "همین‌طوره" که در حین صحبت گوینده، توسط مخاطب به کار می‌روند و نشان می‌دهند که مخاطب به گفتار گوینده توجه دارد) نیز بررسی گردید و در نهایت، استفاده از اتباع (کاربرد برخی واژه‌ها همراه با واژه دیگری که معنی ندارد ولی به لحاظ آوایی نزدیک به واژه اول است مانند کتاب متاب، دفتر مفر) نیز ارزیابی شد.

---

1- hedge

2- backchannel

## ۱-۴-۱ توصیف اقلام مورد بررسی

در این بخش به توضیح و توصیف موادی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند می‌پردازیم. اولین موردی که مورد بررسی قرار گرفته است، تغییر صورتهای "تهران" و "ایران" به "تهرون" و "ایرون" است. قاعده ناظر بر این تغییر به شرح زیر می‌باشد:

$$\begin{bmatrix} + \text{back} \\ - \text{round} \\ - \text{high} \\ + \text{low} \end{bmatrix} \rightarrow \begin{bmatrix} + \text{back} \\ + \text{round} \\ - \text{high} \\ - \text{low} \end{bmatrix} / - \begin{bmatrix} + \text{nasal} \\ - \text{dist} \end{bmatrix} \neq$$

این تغییر از نوع واژگانی<sup>۱</sup> است و چون بیشتر در گفتار از این صورتهای استفاده می‌شود، می‌توان این تغییر را سبکی<sup>۲</sup> نیز قلمداد کرد. عمدتاً در نوشتار، صورتهای تغییر یافته ذکر شده به کار نمی‌روند. تغییر واجی دیگر، تغییر در افراشتگی واکه (تبدیل /a/ به /e/ است) که یک ویژگی غیر معتبر در زبان فارسی به شمار می‌آید (عسگری، ۱۳۷۵) و از این رو فقط در کلمه زمین/زمین به منظور بررسی تفاوت‌های گونه‌های گفتاری زنان و مردان مورد بررسی قرار گرفته است.

مورد سوم فرایند قلب است که بنا به تعریف: "تغییر موضع قرارگیری دو آوای مجاور است" (یول، ۱۹۹۶). یعنی هرگاه دو آوای مجاور در یک زنجیره صوتی جابه‌جا شوند، لغزش زبانی قلب اتفاق افتاده است.

**هماهنگی واکه‌ای** زمانی اتفاق می‌افتد که واکه‌های دو هجای مجاور همگون شوند. در تحقیق حاضر، این فرایند فقط در لغت بهار/بهار مورد بررسی قرار گرفته است.

**حذف همخوان پایانی یا خوشه همخوان در پایان واژه** نیز در محاورات غیررسمی امری طبیعی و معمول است به این ترتیب که در تلفظ واژه‌های مختوم به یک یا چند همخوان، گاه همخوان پایانی یا یکی از همخوان‌های خوشه همخوان پایانی یا هر دو همخوان خوشه همخوان پایانی

---

1- lexical

2- stylistic

حذف می شوند و صورت کاهش یافته آن واژه‌ها تولید می شوند. در این تحقیق، افعالی مانند هست / هَس یا هَ نیست / نیس یا نی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

**پرسش تأییدی<sup>۱</sup>**، عبارتی کوتاه در پایان جملات خبری<sup>۲</sup> است که آن را سؤالی می‌کند. برای مثال: «بازی فوق‌العاده‌ای است، این طور نیست؟» یا «رفته بودی شن، رفته بودی؟».

**عبارت احتیاط‌آمیز**، ابزاری است که برای کاهش دادن اثرات کلام به کار می‌رود. از عبارت احتیاط‌آمیز به عنوان نوعی حُسن تعبیر<sup>۳</sup> نیز یاد می‌شود. عبارات احتیاط‌آمیز ممکن است به طور عمد یا ناآگاهانه در زبان گفتاری (یا نوشتاری) به کار روند، چرا که ابزار بسیار مهمی در برقراری ارتباط به شمار می‌روند و به گوینده کمک می‌کنند تا میزان صحت و دقت کلام خود را بالا ببرند. به لحاظ معناشناسی کاربردی، عبارات احتیاط‌آمیز نشان می‌دهند که گوینده‌ها به اصول گرایس<sup>۴</sup> آگاهی دارند و آنها را رعایت می‌کنند (اصل کیفیت<sup>۵</sup>: سخن گوینده باید صحت داشته باشد (واقعیت داشته باشد؛ اصل کمیت<sup>۶</sup>: اطلاعاتی که گوینده می‌دهد باید به اندازه باشد، یعنی بیشتر و یا کمتر از میزان مورد نیاز نباشد؛ اصل مرتبط بودن<sup>۷</sup>: صحبت گوینده باید مرتبط به موضوع باشد؛ اصل طرز بیان<sup>۸</sup>: گوینده باید خلاصه، روشن و با رعایت ترتیب مطالب صحبت کند). برای مثال در جمله "تا جایی که من می‌دونم، آنها ازدواج کرده‌اند"، "تا جایی که من می‌دونم" یک مورد از عبارات احتیاط‌آمیز است که درجه آگاهی گوینده یا نویسنده را نشان می‌دهد. این نوع کاربرد، نشان‌دهنده رعایت کردن اصل کیفیت است، یعنی گوینده یا نویسنده، تنها به گفتن "آنها ازدواج کرده‌اند" بسنده نکرده و صحت این مطلب را به درجه آگاهی و عدم اطمینان خود ربط می‌دهد. در جمله "نمی‌خواهم با گفتن جزئیات حوصله شما را سر ببرم، اما در این مسافرت واقعاً به ما خوش گذشت" عبارت "نمی‌خواهم با گفتن جزئیات حوصله شما را سر ببرم" نشان می‌دهد که گوینده اصل کمیت را در نظر دارد و رعایت

1- tag question

2- declarative

3- euphemism

4- Grice maxims

5- quality

6- quantity

7- relation

8- manner



می‌کند. گویندگان در حین یک مکالمه با عبارات احتیاط‌آمیزی مانند "مطمئن نیستم منظور من برای شما روشن باشد یا نه، اما این چیزی است که من می‌دانم"، اصل طرز بیان را رعایت می‌کنند. گاهی نیز گوینده موردی از عبارت احتیاط‌آمیز را به کار می‌برد که کمک می‌کند چیزی را بگوید که در آن لحظه ربطی به موضوع مورد بحث ندارد. برای مثال وقتی گوینده می‌گوید: "راستی، از این ماشین خوشتر می‌آید؟"، با به کار بردن "راستی" موضوع جدیدی را مطرح می‌کند که ربطی به موضوع قبلی ندارد. عبارات احتیاط‌آمیزی از این دست، معمولاً در اواسط مکالمه و در زمانی شنیده می‌شوند که گوینده در نظر دارد موضوع صحبت را عوض کند یا صحبت در مورد موضوع قبلی را خاتمه دهد. این طرز بیان حاکی از آن است که گوینده می‌خواهد اصل مرتبط بودن را رعایت کند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که اصولاً مردم در هنگام صحبت کردن نه تنها تمایل دارند اطلاعاتی را رد و بدل کنند بلکه می‌خواهند نشان دهند اطلاعات آنها تا چه حد صحیح، مرتبط و مهم هستند (یول، ۲۰۰۰، ص ۳۸-۳۹).

در حین یک مکالمه، گوینده نیاز دارد که شنونده رفتاری حاکی از گوش دادن به صحبت از خود نشان دهد. روشهای مختلفی برای این منظور وجود دارد که از آن جمله می‌توان به تکان دادن سر یا لبخند زدن اشاره کرد اما نشانگرهای کلامی که شنونده تولید می‌کند تا نشان دهد به سخن گوینده گوش می‌دهد، **پس خوراند کلامی** نام دارد. رایج‌ترین پس‌خوراندهای کلامی، "آهان"، "اوهوم" و "بله" هستند که به گوینده نشان می‌دهند که پیام او به شنونده منتقل شده است. پس‌خوراندها به طور معمول نشان می‌دهند که شنونده به ادامه صحبت توجه و تمایل دارد و مخالف صحبت گوینده نیست (یول، ۲۰۰۰، ص ۷۵-۷۶).

مورد آخری که در این تحقیق بررسی شده است، اتباع می‌باشد. **اتباع** در لغت به معنی "پیروی کردن" است، اما در اصطلاح نودستوریان فرایندی است که از طریق آن نوعی کلمه مرکب ساخته می‌شود، شامل دو جزء که یکی را متبوع می‌گویند و دیگری را تابع، مانند ترکیب "کتاب متاب" که در

آن "کتاب" متبوع و "متاب" تابع است. تابع برای تأکید و استواری متبوع می‌آید و متبوع است که معنی کل واژه مرکب و نیز مقوله نحوی آن را تعیین می‌کند. مثلاً معنی ترکیب "رخت پخت" از جزء اول یعنی "رخت" گرفته می‌شود و مقوله نحوی، یعنی اسم بودن آن نیز از همین جزء اول حاصل می‌آید. اتباع به گفته ادوارد ساپیر (ص ۱۱۹)، در همه زبانها وجود دارد، اما میزان کاربرد آن و نیز نقشی که ایفا می‌کند در زبان‌های مختلف تاحدی متفاوت است.

در زبان فارسی، اتباع به صورت اسم و صفت و قید و عمدتاً در زبان گفتاری به کار می‌رود ولی گاهی در متون ادبی نیز دیده می‌شود:

آن یکی می‌گفت دنبالش کژ است      و آن یکی می‌گفت پشتش کژتر است (مولوی)

در زبان فارسی بحث درباره اتباع چندان پیشینه‌ای ندارد و قدیم‌ترین اثری که نسبتاً به تفصیل آن پرداخته‌اند نهج‌الادب تألیف نجم‌الغنی خان است. اشارتهای دیگری که به اتباع کرده‌اند در فرهنگهای فارسی و در ذیل ترکیبات اتباعی است که در غالب آنها، مانند لغت‌نامه و فرهنگ نظام و فرهنگ نفیسی، در ذیل کلمه اتباع آن را تعریف کرده‌اند و مثالهایی برای آن آورده‌اند. در چند دهه اخیر پژوهش‌هایی نیز درباره آن صورت گرفته است.

ترکیب اتباعی ویژگیهایی دارد که آن را از دیگر ساختهای دستوری متمایز می‌کند. ترکیب در صورتی اتباعی است که لااقل دارای یکی از دو شرط زیر باشد: ۱. دست‌کم یکی از اجزای آن بی‌معنی باشد، مانند "ساخت و پاخت" ۲. دست‌کم یکی از اجزای آن در معنایی غیر از معنای اصلی خود به کار رود، مانند: "سنگین و رنگین" و "خرد و خاکشیر".

فصل دوم

پیشینه مطالعات

تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد گونه‌های زبانی توسط زنان، همیشه دیده شده است و تفاوت زنان و مردان در به کارگیری گونه‌های گفتاری در واقع در تمام فرهنگ‌های سراسر جهان یافت می‌شود (بودین، ۱۹۷۵). اما در بسیاری از موارد زنان و مردان اساساً از دستور زبان و واژگان تقریباً یکسان استفاده می‌کنند. گرچه تفاوت جنسیتی در برخی ویژگی‌های خاص زبانی دیده می‌شود، اما نمی‌توان گفت که زنان و مردان شهرنشین با زبان‌های متفاوتی صحبت می‌کنند. شباهت‌های جنسیتی در گفتار نیز مانند سایر رفتارها پیرو قاعده‌های خاصی است (کرامر و همکاران، ۱۹۷۸). الگوهای گفتار معمولی در میان زنان و مردان در جدول ۱-۲ مقایسه شده‌اند.

جدول ۱-۲. مقایسه الگوهای گفتار معمولی در زنان و مردان

گفتار مردان	گفتار زنان
۱. هدف: اعمال کنترل، حفظ استقلال، افزایش اعتبار	۱. هدف: برقراری و حفظ رابطه
۲. نشان دادن دانش یا مهارت، اجتناب از افشای اطلاعات شخصی که حاکی از این است که فرد آسیب‌پذیر است.	۲. یکسان‌سازی تجارب، نشان دادن حمایت (با گفتن جملاتی مانند: من هم، همین احساس را دارم)
۳. برتری در مکالمه (قطع مکالمه، مدت زمان بیشتری صحبت کردن)	۳. تداوم محاوره (امروز را چطور گذرانید؟)
۴. پاسخ‌دهی کمتر (آهان)	۴. پاسخ‌دهی و تفاهم (تکان دادن سر در پاسخ به صحبت فرد دیگر)
۵. شیوه انتزاعی‌تر	۵. شیوه فردی، عینی و ملموس
۶. محکم، قطعی، و آمرانه	۶. محتاطانه و با تردید

منبع: وود، ۱۹۹۴